

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

بر خوردن با شکوه و نیر و بخش جهانی صلح

بارژیم ترور و اختناق مبارزه کنید!

(ساواک قربانیان تازه ای را شکنجه میدهد)

برقرار اخبار رسیده و اطلاعاتی که در برخی از نشریات خارج از کشور نیز درج گردیده است بار دیگر گروهی از مخالفان رژیم بچنگ دژخیمان ساواک افتاده اند. اینها ۲۱ تن از روشنفکرانند که در مرحله بازجویی بسختی شکنجه شده اند. خبر دستگیری این روشنفکران، چنانکه شیوه رژیم است، در مطبوعات ایران درج نگردیده بازداشت و سرنوشت آتی آنان در لافهای ای از سکوت پوشانیده شده است. بعلاوه اخبار واصله از زندان قصر حاکی از تزیینات مأمورین زندان به زندانیان سیاسی، جسب برخی از آنان در سلولهای مجرد معروف به «گاودانی» است. تجاوزات مأمورین زندان خشم زندانیان سیاسی را برانگیخته و موجب اعتصاب غذائی شده است که در آن چهل تن از زندانیان سیاسی زندانهای ۳ و ۴ قصر و از آنجمله روحانیان زندانی مانند حجت الاسلام انواری و حجت الاسلام حاجتی کرمانی در آن شرکت جسته اند.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان های شماره ۳ و ۴ قصر در محافل روحانی ایران در عراق انمکاس یافت و منجر بارسال تلگراف اعتراض از جانب جمعی از طلاب ایرانی نجف گردید.

وضع زندانیان توده ای نیز از هر باره رقت انگیز است. رفیق ماعزیز یوسفی ۱۶ سال از زندگی خود را در زندانهای مختلف کشور گذرانده و اکنون نیز در زندان برازجان است. رفیق ماغنی بلوزیان تازه عروسی کرده بود که دستگیر شد و اکنون دنباله در صفحه ۶

و سیاسی از ۱۰۱ کشور قاره های مختلف جهان با پیام منطقی، مستدل و تشویق آمیز صدر شورای کشوری و دبیر اول حزب سوسیالیست متحده آلمان رفیق والتر اولبریش بوسیله رفیق آلبرت نردن عضو بوروی سیاسی حزب مزبور و رئیس هیئت نمایندگان جمهوری دموکراتیک آلمان و با حضور ویلی اشتوف نخست وزیر آلمان دموکراتیک، افتتاح گردید. تالار چون دریایی از هزار و صد و چند نفر نماینده موج میزد. زبانها گوناگون، رنگها مختلف، ملیتها متنوع، عقاید و افکار سیاسی و مذهبی جور و اجور و در یک کلام ناهمگونی ملی، نژادی، مذهبی و ایدئولوژیکی پنحو بارزی مشهود بود، ولی این ناهمگونی مانع از آن نشد که در محیط بسیار آزاد و دوستانه ای با وجود اختلاف نظرها، در مسئله عمومی و مشترک بشریت یعنی حفظ صلح جهانی به نتایج واحدی برسند. هدف این تجمع بزرگ بررسی و تبادل نظر در باره مسائل مشخصی بود که حل آنها شرایط لازم را برای برقراری یک صلح پایدار فراهم میآورد. ویتنام، اقلیت اروپائی، بحرین خاور میانه، کولونیا لیسیم، نئو کولو نیالیسم، استقلال ملی و خلیج سلاح مسائل اساسی مورد بحث باین برخورد بود.

در جلسه افتتاحی پس از آلبرت نردن بانومی باریک اندام و کوچک که در مرکز تریبون قرار داشت از جای برخاست و بست جایگاه سخنرانی روان گردید. همراه او تمام دنباله در صفحه ۶

روز ۲۱ ژوئن در سالن بزرگ وزیای ورزشی دینامو در برلین، پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان، جلسه با شکوه برخورد جهانی صلح با شرکت نمایندگان ۵۶ سازمان بین المللی و ۳۲۰ سازمان ملی و ده ها نفر از شخصیت های فرهنگی، مذهبی

در باره سند عمده کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری

و طول جریان تدارک کنفرانس را دلیل ضعف جنبش کمونیستی و کارگری جلوه دهند. در واقع جنبه همگانی مباحثات و شرکت جمعی فعال احزاب کمونیستی و کارگری در تنظیم و اصلاح اسناد نه تنها دلیل ضعف جنبش نیست بلکه خود یکی از علل نیرومندی و جاننداری جنبش کمونیستی و کارگری است که علیرغم نظریات گوناگون موفق شده است بوسیله مباحثات منطقی و آفریننده و بقدرت اصول مارکسیسم-لنینیسم عمده ترین مسائل جهان معاصر را مورد تجزیه قرار دهد، احزاب برادر را در پیرامون این تحلیل و نتیجه گیری مجتمع سازد و سندی که منعکس کننده نظریات جمعی است به تصویب کنفرانس برساند.

چه طی جلسات تدارکی کمیسوونها و چه در خود کنفرانس مباحثات نشان داد که باوجود اختلاف نظر در باره ای از ارزیابیها در درون محیط های مشخص نبرد احزاب کمونیستی و کارگری است، اکثریت قریب بااتفاق احزاب برادر در مورد تطیل وضع کنونی جهان، مسائل اساسی جنبش ووظائف میرمی که در برابر مجموع نهضت و هر یک از احزاب قرار دارد اتفاق نظر دارند. نخستین جلسه مشاوره احزاب که بمنظور تبادل نظر در باره لزوم تشکیل کنفرانس در فوریه سال ۱۹۶۸ در بوداپست منعقد گردیده از همان آغاز موافقت کامل احزاب شرکت کننده را در پیرامون این مسئله مرکزی که عبارت از تکیه بر نقاط مشترک و اجتناب از مطلق گردن اختلاف نظر در ارزیابیها سرایت دادن آن بعموم مسائل مورد بحث است نشان داد. عنوانی که در همان جلسه بااتفاق آراء برای دستور کنفرانس و سند عمده مورد مباحثه آن انتخاب گردید، خود بطور بارز این اراده متفی وحدت جویانه احزاب کمونیستی و کارگری را نشان میدهد. در واقع دستور مورد تصویب که عنوان سند

کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری که از ۵ تا ۱۷ ژوئن سال ۱۹۶۹ (از ۱۵ تا ۲۷ خرداد ۱۳۴۸) با شرکت ۷۵ حزب کمونیستی و کارگری در مسکو تشکیل بود در جریان جلسات خود استاد مهمی را مورد بررسی قرار داده تصویب نمود.

صرفنظر از یکسلسله اعلامیه ها و پیامهای همدردی و پشتیبانی در مورد اندونزی، خلقهای عرب، یونان و غیره کنفرانس سندی مبنی بر پشتیبانی از خلق ویت نام، خطابی در باره دفاع از صلح، اعلامیه ای بمناسبت صد سالگی تولد لنین و همچنین سند عمده کنفرانس را تحت عنوان «وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و همه نیروهای ضد امپریالیستی» مورد تصویب قرار داد.

اسناد مزبور و بویژه سند عمده کنفرانس نتیجه تدارک و مباحثات جمعی ۱۵ ماهه ای است که اکثر احزاب شرکت کننده و از آنجمله حزب توده ایران در تنظیم و تنقیح آن فعالانه سکوشیده اند. طی دو جلسه تدارکی اخیر بیش از ۵۰۰ فقره پیشنهاد از جانب اکثر احزاب و از جمله حزب ما بمنظور اصلاح سند که زمینه مباحثه برای کنفرانس بود تقدیم گردید که قریب نیمی از آن پذیرفته شد و در جریان خود کنفرانس نیز نزدیک به ۷۰ پیشنهاد دیگر از طرف ۲۴ حزب داده شد که ۳۰ فقره از آن کلا با جزئیات مورد پذیرش قرار گرفت. اسلوب جمعی تدارک اسناد و سبک عمیقاً دموکراتیکی که بهنگام جلسات تدارکی و کمیسوونها و طی مذاکرات خود کنفرانس بر مجموع مباحثات حکومت داشت نه تنها موجب بهبود و تکمیل هر چه بیشتر اسناد مصوب گردید، بلکه با اسناد مزبور و بویژه به سند عمده کنفرانس استحکام و قدرت بیشتری داد. مطبوعات بورژوائی که موفقیت کنفرانس را بر خلاف انتظارات خود دیده اند اکتون میگویند که همین خصصت دموکراتیک مباحثات

در کنگره جهانی زنان در هلستینکی چه گذشت؟

جامعه از میان برخاسته باشد، معهذاً چون در جهان امروز کوششهای بیوسه زنان در کشور های خود در راه بدست آوردن حقوقشان روز بروز تریاد مییابد برای کمک به پیشرفت آن باید نیروهای مترقی زنان تمام جهان متحد گردند.»

چه در گزارش دبیر کل و چه در سایر گزارش های مربوط به محیط کار و محیط خانواده، همه جا خاطر نشان گردیده بود که پایه و اساس خوشبختی زن در دنیائی امکان پذیر است که خالی از جنگ و بیعدالتی باشد. و اهمیت استقلال ملی و صلح و آزادی دموکراتیک برای تأمین حقوق زن نه تنها در گزارش مربوط باین مسئله بلکه در تمام گزارشها و سخنرانیهای نمایندگان به روشنی منعکس بود.

سخنرانی نمایندگان ویتنام که جنایات فجیع امریکائیها را در برابر چشم همه مجسم میکرد همچنانی ترین لحظات کنگره بود و اراده زنان را برای حفظ صلح و مبارزه با نیروهای جنگ طلب نشان میداد.

کنگره جهانی زنان که از طرف فدرا - سیون دموکراتیک بین المللی زنان جهان دعوت شده بود با شرکت ۴۸۲ نماینده از ۹۸ کشور از تاریخ ۱۴ تا ۱۷ ژوئن در هلستینکی تشکیل گردید. ۳۰ تشکیلات بین المللی نماینده باین کنگره اعزام داشته بودند از جمله انجمن ملل متحد دو نماینده و اونسکو یک نماینده اعزام داشته بود.

دبیر کل فدرا سیون خانم سبیل هوزل در ضمن سخنرانی جامع خود که عنوان آن «نقش زن در جهان امروز» بود بروشنی توضیح داد که امروز دیگر آزادی زن امری نیست تنها مربوط یاب و زندگی او بلکه امری است مربوط بتمام اجتماع و نمیتوان آنرا جدا از سایر عوامل حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفت. بانو والتنا ترشکوا زن نام آور جهان و نخستین قضا نورد زن که ریاست کمیته زنان شوروی را برعهده دارد گزارش زن در محیط کار را قرائت کرد. او گفت: «تساوی کامل افراد یک جامعه وقتی میتواند واقعاً به حقیقت پیوندد که استعمار فرد از فرد در آن

کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری

عمده کنفرانس مسکو است یعنی «وظائف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و همه نیروهای ضد امپریالیستی» بخودی خود روشن میسازد که شرکت کنندگان مشاوره بودایست و احزاب دیگری که بتدریج در جریان تدارک کنفرانس و خود کنفرانس شرکت جستند اند قبل از هر چیز بنکات اساسی زیرین توجه نموده اند:

۱ - سازمان دادن مبارزه علیه امپریالیسم، دشمن مشترک آزادیهای خلقها، صلح، ترقی و سوسیالیسم، وظیفه عمده جنبش کمونیستی و کارگری در مرحله کنونی است.

۲ - علیرغم اختلاف نظرهای موجود، احزاب کمونیستی و کارگری میتوانند وظیفه دارند که برای پیشبرد این نبرد علیه دشمن مشترک بر پایه وظایف مشخص متجدد اقدام نمایند.

۳ - وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و تمام نیروهای ضد امپریالیستی شرط گسترش تعرض وسیع و همه جانبه علیه امپریالیسم و سایر نیروهای ارتجاع و جنگ طلب است.

بنابر این روشن است که هدف از تشکیل کنفرانس مسکو بحث در اطراف مسائل مورد اختلاف و حل آنها نبوده است. این قبیل مسائل چنانکه در خود سند عمده نیز اشاره شده است باید ضمن جلسات تئوریک مذاکرات و کنفرانس های مشخص چندجانبه منطقه ای تدریجاً حل و فصل گردد.

تصویب اسناد متعدد کنفرانس و بویژه تصویب سند عمده نشان داد که نه تنها بین اکثریت قریب با اتفاق احزاب کمونیستی و کارگری جهان در باره مسائل اساسی جنبش اختلافات اصولی و ریشه ای وجود ندارد، بلکه مباحثه و مذاکره برادرانه، دموکراتیک و خلاق بهترین طریقه نزدیک ساختن و متحد نمودن نظریات است.

حکم اساسی سند عمده کنفرانس

در سرتاسر چهار بخشی که سند عمده کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری را تشکیل میدهد این اندیشه اساسی که در آغاز سند ذکر شده مورد توجه قرار گرفته است، در مرحله کنونی امکانات بسیاری در اختیار نیروهای انقلابی و ترقیخواه جهان برای گسترش اقدامات تعرضی وسیع علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی و جنگ طلب قرار دارد. برای آنکه بتوان از این امکانات نوین بحد اکثر استفاده کرد وحدت عمل کمونیستها و تمام نیروهای ضد امپریالیستی ضرور است.

حکم مزبور بر پایه این تحلیل قرار گرفته است که در اوضاع و احوال کنونی تضاد عمده دوران ما یعنی تضاد بین سوسیالیسم و امپریالیسم تشدید یافته است و نبرد در

سراسر جهان و در کلیه عرصه های مهم حیات اجتماعی اعم از اقتصاد و سیاست، ایده نولوژی و فرهنگ شدت در گرفته است. خصلت نمای تکامل دوران معاصر این است که امپریالیسم ابتکار تاریخی خود را از دست داده و تعیین کننده جهت عمومی تکامل انسانیت سیستم جهانی سوسیالیستی، طبقه کارگر بین المللی و تمام نیروهای انقلابی جهانست.

تحلیل حوادث ده سال اخیر، بررسی موفقیت ها و ناکامیهای که در نقاط مختلفه جهان نصیب نیروهای انقلابی گردیده است، نکات مهم زیرین را روشن میسازد:

۱ - تجاوز کاری امپریالیسم و پیش از همه اقدامات تجاوز کارانه بزرگترین قدرت امپریالیستی یعنی ایالات متحده امریکا تشدید یافته است. پایه سیاست تجاوز کارانه امپریالیستی عبارتست از کوشش در تضعیف مواضع سوسیالیسم، سرکوب جنبش رهایی بخش و خاموش ساختن مبارزه زحمتکشانشان کشورهای سرمایه داری بمنظور متوقف ساختن پروسه محتوم زوال سرمایه داری.

۲ - امپریالیسم نتوانسته است بحکم تعرض متقابل و علیرغم دشواریها و ناکامیهای برخی از گردانهای جنبش انقلابی تناسب نیروها را بسود خویش دگرگون سازد.

۳ - اعتلاء روزافزون قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همچنین سیاست خارجی صلح جویانه این دولتها، مبارزات پرولتاریای بین المللی و همه رزمندگان ضد امپریالیستی و خواستاران رهایی ملی، وسعت دامنه جنبش دفاع از صلح تاکنون مانع از آن شده اند که جنگ جهانی دیگری در گیرد. حوادث ده سال اخیر بیش از پیش چهره واقعی امپریالیسم امریکا را بشماه استمارگر و ژاندارم جهانی و دشمن آشتی ناپذیر جنبش های رهایی بخش ملی آشکار ساخته است.

۴ - در عین حال با آنکه امپریالیسم بعنوان سیستم جهانی نیرومندتر شده همچنان برای صلح، استقلال ملی و ترقی دشمنی جدی و خطرناک است.

۵ - برای پایان دادن باعمال تبه کارانه امپریالیسم و جلوگیری از آنکه بتواند بشریت را بمصائبی باز هم سخت تر دچار سازد اتحاد و اقدام مشترک طبقه کارگر، نیروهای انقلابی دموکراتیک و خلقهای جهان ضرور است. نظر به همین جهات است که سند بدرستی ضرورت تشدید نبرد علیه اقدامات تجاوز کارانه امپریالیسم و مبارزه در راه حفظ صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم را تصریح میکند و باز بر منای همین تحلیل است که اهمیت قاطع اتحاد نزدیک و عمیق سه نیروی عظیم انقلابی جهان معاصر یعنی کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر بین المللی و جنبش رهایی بخش ملی را قویا خاطر نشان میسازد زیرا چنین وحدت عظیمی تمام نیروهای ضد امپریالیستی، دموکراتیک

و ترقیخواه را در مقیاس جهانی یکدیگر پیوند میدهد.

نیروی جازم در مبارزه ضد امپریالیستی

سیستم جهانی سوسیالیستی است

در بخش دوم سند سه نیروی انقلابی اساسی جهان معاصر مورد تحلیل قرار گرفته و موقعیت هر یک از آنها در نبرد مشترک ضد امپریالیستی بیان شده است. در آغاز بخش مزبور این حکم اساسی تصریح شده است که نقش قاطع و جازم را در نبرد ضد امپریالیستی سیستم جهانی سوسیالیستی ایفا میکند.

این سیستم و پیش از همه اتحاد شوروی برای کلیه مبارزات آزادیبخش پشتیبان بی بدلی است.

در واقع سیستم جهانی سوسیالیستی و پیش از همه اتحاد شوروی در تحقق هدف مشترک نیروهای ضد امپریالیستی سهم بیمانندی ادا میکند. حاجت بااستدلال نیست که انقلاب سوسیالیستی اختیر، ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی، شکست فاشیسم آلمان و میلتاریسم ژاپن در جنگ جهانی دوم، پیروزی انقلاب در چین و در یک رشته از کشورهای اروپا و آسیا، تشکیل نخستین دولت سوسیالیستی در قاره امریکا، یعنی جمهوری کوبا و پیدایش و توسعه سیستم سوسیالیستی جهانی مرکب از ۱۴ کشور، شرایط تسریع تکامل تاریخی را بوجود آورده، راه رهایی از رقت امپریالیستی، پیشرفت و شکستگی هماهنگ اجتماعی، استقرار یک دموکراسی واقعی و شرکت حقیقی توده های وسیع مردم در اداره امور جامعه، برابری بین ملتها و دوستی بین آنها را گشوده است.

سیستم جهانی سوسیالیستی با قدرت عظیم مادی و معنوی خود نه تنها به دوران تسلط بلامنازع امپریالیسم بر جهان پایان بخشیده است بلکه بمثابه مهمترین تکیه گاه همه نیروهای استقلال، دموکراسی، صلح و ترقی بیش از پیش عرصه را بر امپریالیسم تنگتر میکند و گسترش روز افزون دامنه فعالیت این نیروها و تأثیر مقاومت و اقدام آنها را علیه سلطه امپریالیسم و ارتجاع امکان پذیر میسازد.

از اینروست که سند مصوب کنفرانس چنین تصریح میکند: «بیش از پیش بنحو بارز بین «سیاست اعمال قدرت» که امپریالیسم بکار میرد و امکانات واقعی وی تضاد جلی روز میکند».

جنگ جهانی دوم تمام درخشانترین نمونه این تضاد بین نقشه های تجاوز کارانه امپریالیسم و توانایی انجام آنهاست. ناتوانی امپریالیسم امریکا، بزرگترین و مقتدرترین نیروی امپریالیستی جهان، در برانوردن خلق قهرمان ویت نام خود بمنزله شکست تاریخی نقشه های تجاوز کارانه سیاسی و نظامی امپریالیسم امریکاست که بدینوسیله نه تنها در نظر داشت یکی از دژهای مقدم سوسیالیسم را در آسیا منهدم نماید بلکه در صدد بود با پیروزی بر خلق ویت نام ضرب شصتی به جنبش رهایی بخش ملی در مجموع خود وارد آورد خلقها را از پشتیبانی و همبستگی

کشورهای سوسیالیستی و زحمتکشانشان جهان نا امید سازد. قهرمانی بشظیر خاق دلاور ویت نام، خردمندی سیاسی جمهوری دموکراتیک ویت نام و جبهه آزادیبخش ملی ویت نام جنوبی، کمکهای همه جانبه کشورهای سوسیالیستی و قبل از همه آنها اتحاد جماهیر شوروی، همبستگی عظیم بین المللی - این نقشه های تجاوز کارانه را با شکست روبرو ساخت.

عدم موفقیت امپریالیسم امریکا در سرکوب انقلاب کوبا و انهدام جمهوری انقلابی این کشور، عقیم ماندن نقشه های امپریالیستی در خاور میانه دایره سرنگون ساختن رژیمهای مترقی کشورهای عربی بوسیله تجاوز اسرائیل و بمنظور جلوگیری از اوج جنبش رهایی ملی خلقهای این منطقه و اشغال مجدد مواضع اقتصادی، سیاسی و نظامی از دست رفته نیز نمونه های دیگری از تضاد موجود بین سیاست قدرت نمایی امپریالیسم و امکانات واقعی اوست.

اهمیت درجه اول رشد قدرت اقتصادی جهان سوسیالیستی برای تحقق هدف های مشترک

سند مصوب کنفرانس پس از تصریح نقش مهمی که سیستم جهانی سوسیالیستی در تحقق هدف مشترک نیروهای ضد امپریالیستی ادا میکند، انجام این نقش قاطع را قبل از هر چیز معلول رشد قدرت اقتصادی سیستم جهانی سوسیالیستی میداند و برای تحکیم مواضع سوسیالیسم در مبارزه ضد امپریالیستی و افزایش نفوذ وی در میان زحمتکشانشان جهان نکات ذیل را خاطر نشان میسازد:

۱ - توسعه سریع اقتصاد سیستم سوسیالیستی، که اینک رشدش بیش از کشورهای سرمایه داری است، مواضع پیشرفته ای که وی در بسیاری از بخشهای دار و فن اشغال نموده است، گشایش راههای کبانهایی بوسیله اتحاد شوروی و تمام ثمرات کار آفریننده خلقهای کشور های سوسیالیستی در برتری نیروهای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم بر نیروهای امپریالیستی نقش قاطعی ایفا میکنند.

۲ - آماده نمودن و بکار بستن اشکال اقتصادی و سیاسی کاملتری که مقتضای جامعه پیشرفته سوسیالیستی است و اکنون دیگر بر ساختمان اجتماعی نوینی تکیه دارد برای استفاده کاملتر از امکانات و ذخائر عظیمی که در نهاد سیستم نو نهفته است شرایط مساعدی بوجود میآورد.

۳ - فعالیت سیاسی روز افزون زحمتکشانش، گسترش دامنه فعالیت خودمختار سازمانهای توده ای آنها، بسط حقوق فردی، مبارزه بی امان علیه پدیده های بوروکراسی، تکامل هماهنگ دموکراسی سوسیالیستی نیروهای سوسیالیسم را ده چندان میکند و موجبات وحدت اراده و عمل تمام خلق را فراهم میسازد. تکمیل دموکراسی سوسیالیستی - دنباله در صفحه ۳

کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری

لیستی، ارتقاء نیروهای بار آور، پیشرفت سیاسی و فرهنگی، اعتدال ارزشهای انسانی و معنوی موجب افزایش نفوذ سوسیالیسم در میان زحمتکشان سراسر جهان میگردد و مواضع سوسیالیسم را در مبارزه جهانیستولی ضد امپریالیستی اش تحکیم میکنند.

۴ - گسترش هر چه وسیعتر انقلاب علمی و فنی، که بصورت یکی از میدانهای نبرد بین سرمایه داری و سوسیالیسم در آمده است يك خواست مؤکد جامعه سوسیالیستی است.

۵ - پیدایش و گسترش جهان سوسیالیستی جزء لاینفک مبارزات طبقاتی در عرصه جهانیست. دشمنان سوسیالیسم از کوشش های خود در راه برکنندن بنیاد حکومت سوسیالیستی، به شکست کشاندن تحولات سوسیالیستی جامعه و استقرار مجدد سلطه خود دست برندارند.

یکی از وظائف واجب دولت سوسیالیستی اینست که با تکیه بر توده های وسیع مردم تحت رهبری طبقه کارگر و پیشاهنگ کمونیستی آن این تلاشها را با قاطعیت به عقب راند.

۶ - دفاع از سوسیالیسم وظیفه اترننا-سویالیستی کمونیستهاست. ترقیبات و تحکیم هر کشور سوسیالیستی شرط اساسی پیشروی سیستم جهانی سوسیالیستی است.

مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی

در باره مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی، سند عمده کنفرانس پس از آنکه همکاری میان کشورهای سوسیالیستی را در همه زمینه ها و از جمله در مورد تحکیم نیروی دفاعی یمان ورشو (تا هنگامیکه بلوک تجاوز کارانه آتلانتیک وجود دارد) بمثابة یکی از مهمترین وظایف احزاب کمونیستی کشور های سوسیالیستی تلقی میکند، بدگر اصولی میپردازد که این مناسبات باید بر پایه آن قرار داشته باشند.

این اصول عبارتند از اترناسیونالیسم پرولتری، کمک و پشتیبانی متقابل، برابری حقوق، حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر.

در سند این نکته پنهان نشده است که استقرار نوع جدیدی از مناسبات بین المللی و توسعه اتحاد برادرانه میان دولت های سوسیالیستی پروسه تاریخی پیچیده و بفرنجی است؛ زیرا پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در چند کشور ساختمان سوسیالیسم با اشکال گوناگون بر پایه قوانین عام و با توجه به شرایط تاریخی مشخص و ویژگیهای ملی هر کشور ادامه یافته و بهین سبب دشواریها و

اختلافاتی در جریان این پروسه وجود آمده است. در مورد بروز اختلافات میان کشور های سوسیالیستی در سند به چند نکته اساسی توجه شده است.

۱ - سرشت سوسیالیسم منبر از آن قبیل تضاد هائی است که در ماهیت سرمایه داری نهفته است.

۲ - اختلافاتی که بین کشور های سوسیالیستی بروز میکند از تفاوت سطح تکامل اقتصادی و ساختمان اجتماعی و موقعیت بین المللی کشورهای مزبور و یا از خصوصیات ملی آنها ناشی میشود.

۳ - هنگامیکه بین کشورهای سوسیالیستی اختلافاتی بروز میکند میتوان و باید آنها را بر بنیاد اترناسیونالیسم پرولتری، از راه مذاکرات و همکاری برادرانه و داوطلبانه حل و فصل نمود.

۴ - اختلافات مزبور هیچگاه نباید امکان یابند که چهره متحد دولت های سوسیالیستی علیه امپریالیسم را بگلند.

۵ - رژیم اقتصادی و اجتماعی مشترک، انطباق منافع و هدف هائی که بر پایه آن کشورهای سوسیالیستی تکمیل یافته اند خود وثیقه غلبه بر دشواریهاست و ضامن آنست که وحدت سیستم سوسیالیستی بر مبنای اصول مارکسیسم-لنینیسم و اترناسیونالیسم پرولتری استحکام یابد.

نقش طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری

در مورد دومین نیروی بزرگ انقلابی عصر ما سند عمده کنفرانس متذکر میشود که «در درون دزهای سرمایه داری طبقه کارگر نیروی محرکه عمده بیکار انقلابی در مجموع جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی است».

در این قسمت از سند، اندیشه مرکزی اینست که در کشورهای سرمایه داری پیشرفته امکانات مبارزه علیه امپریالیسم برای دفاع از منافع زحمتکشان، برای دموکراسی و سوسیالیسم افزایش یافته است.

برای اینکه بتوان تحولات دموکراتیک بنیادی را امپریالیسم تحمیل نمود و راه سوسیالیسم را گشود ضرورت وحدت طبقه کارگر و لزوم اتحاد وسیع طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران و طبقات متوسط شهری علیه انحصارها و قدرت آنها مصرأ در سند عمده کنفرانس تأکید شده است. سند مزبور شرکت روز افزون جوانان، زنان، روشنفکران را در مبارزات عظیم انقلابی عصر ما متذکر شده جنبه ذاتا انقلابی و مثبت تمایلات بخش عظیمی از آنان را خاطر نشان میسازد و بهین سبب اهمیت دلالت این نیرو ها را در جاده صحیح انقلابی و کشاندن آنها را براد اتحاد نزدیک با جنبش کارگری و پیشاهنگ کمونیستی آن گوشزد میکند.

حکم اساسی که بر تمام این قسمت از

سند حکومت میکند اینست که در این کشور ها بیش از پیش شرایط سیاسی برای تحولات اقتصادی و اجتماعی بنیادی و برای گذار به سوسیالیسم فراهم نیاید.

در دوران کنونی نه تنها مبارزه طبقه کارگر و توده های وسیع زحمتکشان برای بهبود وضع اقتصادی خویش شدت یافته بلکه نبرد آنان در راه خواسته های سیاسی نیز نیرومندتر شده است. زحمتکشان در عین اینکه برای دفاع از منافع حیاتی خود برخاسته اند بمنظور تحصیل حقوق اجتماعی و آزادیهای دموکراتیک نیز مبارزه میکنند.

بیش از پیش کلیه خواسته های آنان علیه دستگاه استیلای سرمایه انحصاری و بر ضد قدرت سیاسی آن توجه یافته است. بیش از پیش توده های وسیع زحمتکش در صدد تغییر اساسی در سیستم اقتصادی هستند که بر پایه بهره کشی از انسان قرار دارد.

نبردهای طبقاتی دوران اخیر ضربه بر پندار هائی است که از جانب هواداران نو سرمایه داری (نئوکاپتالیسم) و رفورمیسم انتشار یافته است. حوادث مزبور با نیروی تازه تری اصول بنیادی مارکسیسم-لنینیسم را تأیید نموده اند.

احزاب کمونیستی و کارگری برخلاف اپورتونیستهای راست و چپ مبارزه برای خواسته های اقتصادی و اجتماعی عمیق و برای استقرار یک دموکراسی پیشرو را در مقابل مبارزه برای سوسیالیسم قرار نمیدهند، بلکه بعکس مبارزه برای خواسته های مزبور را جزء جدا ناپذیر بیکار برای سوسیالیسم میشمرند. تحولات دموکراتیک ریشه ای که در جریان مبارزه علیه انحصارها و بر ضد تسلط اقتصادی و قدرت سیاسی آنها تحقق مییابند موجب آن میگردد که توده های بیش از پیش وسیعتری ضرورت سوسیالیسم بی برند.

هدگرائی منافع طبقه کارگر، دهقانان، قشر های متوسط شهری و روشنفکران و نیز بسط اتحاد آنها، پایه اجتماعی حکومت انحصارها را محدود تر و تضاد های درونی آنها را تشدید میکند و امر بسیج توده های وسیع را برای مبارزه ضد انحصاری و ضد امپریالیستی تسهیل مینماید. بتدریج که وحدت عمل ضد انحصاری و ضد امپریالیستی بسط مییابد شرایط مساعدی بمنظور تجمع تمام جریانهای دموکراتیک بشکل اتحاد سیاسی آماده میشود.

آنچنان اتحاد سیاسی ای که قادر باشد بطور قاطع نقش انحصارها را در حیات اجتماعی محدود سازد، به حکومت سرمایه بزرگ پایان بخشد، رژیم مستقر نماید که تحولات سیاسی و اقتصادی بنیادی را تحقق بخشد و بدان وسیله مساعدترین شرایط را برای تعقیب مبارزه در راه سوسیالیسم فراهم آورد.

جنبش رهائی ملی بمرحله نونی با گذاشته است

سومین نیروی عظیم انقلابی عصر ما جنبش رهائی بخش خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین است. در نتیجه قیرو ریختن سیستم مستعمراتی مواضع امپریالیسم بنحو شایانی تضعیف گردیده و نقش جنبش ضد امپریالیستی خلقهای این قاره ها در پروسه انقلابی جهانی باز هم افزایش یافته است.

مضافاً بر اینکه جنبش مزبور در برخی از کشورهای این مناطق با مضمونی ضد سرمایه داری در میآیزد. پیدایش تعداد بزرگی از دولتهای ملی در کشورهای آسیائی و آفریقائی تیرات فاحشی در چهره سیاسی جهان پدید آورده و به تغییر تناسب نیروها بزبان امپریالیسم کمک نموده است. در برخی از این کشورها نقش اجتماعی و فعالیت سیاسی طبقه کارگر افزایش یافته است و مناسبات بین المللی که بین پرولتاریای جوان کشورهای آسیائی و آفریقائی و طبقه کارگر کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری بوجود میاید بیش از پیش اهمیت بیشتری کسب میکند.

مجموع این عوامل باعث آن شده است که در بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا جنبشهای رهائی بخش ملی وارد مرحله نونی گردد.

در این قسمت از سند پس از آنکه اهمیت بزرگ بیکار مسلحانه خلق های موزامبیک، گینه، بی سو، زیمبابوه، نامی بی و آفریقای جنوبی، برای خاتمه دادن به تسلط استعماری و تأمین آینده آفریقا و صلح گوشزد میشود، به نقش ارزنده ای که جنبش رهائبخش خلقهای عربی در مبارزه علیه امپریالیسم ایفا میکند و تأثیر مثبتی که جنبش مزبور در تمام نهضت ضد امپریالیستی و ضد استعماری در خاور میانه و آفریقا اعمال مینماید اشاره شده است.

سند کنفرانس قویاً این نکته را تصریح میکند که، «مبارزه خلقهای عرب علیه امپریالیسم و علیه تجاوز اسرائیل جزء لاینفک مبارزه عمومی است که میان نیروهای آزادی و سوسیالیسم در سراسر جهان از یکسو و امپریالیسم بین المللی از سوی دیگر درگیر است».

سپس سند عمده کنفرانس بمسئله مهم دیگری که در غالب کشورهای مستقل آسیا و آفریقا بموازات وظایف مربوط به تحکیم و دفاع از حاکمیت و استقلال سیاسی مطرح شده است میپردازد و متذکر میشود که در این کشورها «از میان برداشتن عقب افتادگی اقتصادی، ایجاد یک اقتصاد ملی و از جمله تأسیس یک صنعت مستقل، اعتدال سطح زندگی توده های مردم بصورت مسائل گرهی رشد اجتماعی در آمده اند».

کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری متفقاً باین نتیجه میرسد که حل این مسائل مستلزم آن است که تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی انجام شود، اصلاحات ارضی دموکراتیک به دنباله در صفحه ۴

کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری

سود دهقانان زحمتکش و با شرکت دادن خود آنها بوقوع پیوند، مناسبات فرود تولیدی و ماقبل فرودتالی الغاء گردد، به تسلط انحصارهای خارجی پایان داده شود، حیات اجتماعی و سیاسی و دستگاه دولتی از بیخ و بن دموکراتیزه شود، فرهنگ ملی و سنت‌های مترقی آن تکامل یابد، احزاب انقلابی تحکیم شوند و در آنجا که چنین احزابی وجود ندارند تشکیل گردند.

در دنبال این تحلیل، اشکال ویژه رشد در کشورهای آسیایی و افریقایی مورد توجه قرار گرفته است. سند پس از آنکه از راه غیر سرمایه داری که برخی از دولتهای نو استقلال بان روی آورده اند سخن میگوید و آنرا بشابه راهی معرفی میکند که پایان دادن «به عقب ماندگی دیرینه و گذشته استعماری را امکان پذیر میسازد و شرایط لازم را برای انتقال به جاده تکامل سوسیالیستی فراهم میسازد»، باین واقعیت توجه میکند که: «کشورهایی که راه سرمایه داری در پیش گرفته اند توفیق نیافته اند حتی یکی از مسائل مطرحه در برابر خود را حل نمایند. ارتجاع داخلی که مواجه با نا رضایی روز افزون مردم است به تجاوز خود نسبت با آزادیهای دموکراتیک میافزاید و در برخی موارد بیرحمانه جنبش دموکراتیک و میهن پرستانه توده ها را سرکوب میکند. اختلافات ملی، نژادی، مذهبی، عشیره ای یا زبانی را دامن میزند و بدین طریق استقلالی را که کشورهای مزبور بدست آورده اند بخطر میاندازد».

این قسمت از سند مکمل تحلیل بخش اول آن در باره نقش امپریالیسم علیه جنبش رهایی ملی در کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین و از جمله در کشور ما ایران است. در بخش نخست چنین آمده است:

«امپریالیسم در مبارزه علیه جنبش رهایی بخش ملی از سوئی سرسختانه از بقایای استعمار دفاع میکند و از سوی دیگر میکوشد تا با اسالیب نو استعماری ترقی اقتصادی و اجتماعی کشورهای رشد یافته را که حاکمیت ملی بدست آورده اند مانع گردد. برای این منظور بمحافل ارتجاعی کمک میسازد، جریان از میان بردن نظامات عقب مانده اجتماعی را ترمز میکند و میکوشد تا سیر تکامل این کشورها را در جاده سوسیالیسم یا راه مترقی غیر سرمایه داری که دور نمای سوسیالیستی را میگشاید، دچار مشکلات سازد. امپریالیستها باین کشورها قرار داد های اقتصادی و بیمانهای نظامی و سیاسی که

بحاکمیت آنان زبان میسازند تحمیل میکنند و از طریق صدور سرمایه و بازرگانی نا برابر و شعبه بازی با قیمتها و مظنه ارز و وامها و اشکال مختلف باصطلاح «کمک» و اعمال فشار از جانب سازمانهای مالی بین‌المللی این کشورها را مورد استثمار قرار میدهد.

در کشورهای از بند رسته راه حل وظایف مربوط بر رشد ملی و ترقی اجتماعی و مقابله مؤثر در برابر نیرنگهای نو استعماری و رژیمهای ارتجاعی چیست؟ پاسخی که سند عمده کنفرانس باین سؤال میدهد بشرح زیر خلاصه میشود:

۱ - کوشش در راه بسیج توده های مردم، افزایش نقش پرولتاریا و دهقانان، اتحاد جوانان زحمتکش، دانشجویان و روشنفکران، قشرهای متوسط شهرها، محافل دموکراتیک ارتش و تمام نیروهای ترقیخواه و میهن پرست.

۲ - همکاری نزدیک میان احزاب کمونیستی و سایر نیروهای میهن پرست و پیشرو.

۳ - مبارزه علیه آنتی کمونیسم و علیه هر گونه اعمال فشار نسبت به کمونیست ها و احزاب کمونیستی و کارگری.

در باره وظایف و نقشی که کمونیستها و احزاب کمونیستی و کارگری در جنبش رهایی ملی کشورهای خود ایفا میکنند، سند عمده کنفرانس مؤکداً خاطر نشان میسازد: «کمونیستها برای آزادی، استقلال ملی و آینده سوسیالیستی خلق خود مبارزه میکنند. کمونیستها حامل اندیشه های سوسیالیسم علمی،

رزمندگان پیشاهنگ جنبش رهایی ملی هستند... احزاب کمونیستی و کارگری در راه ایجاد اتحاد کلبه نیروهای ترقیخواه و میهن پرست فعالیت میکنند. منافع جنبش رهایی ملی، مصالح ترقی خلقهای از بند رسته همکاری میان احزاب کمونیستی و سایر نیروهای میهن پرست و پیشرو را ایجاد میکند. هر گونه خصومت نسبت به کمونیسم، هر اعمال فشار نسبت به کمونیستها بمبارزه رهایی ملی و اجتماعی خلقها لطمه میزند». سند توجه کمونیستها و همه نیروهای میهن پرست و ترقیخواه این کشورها را با اهمیت عظیمی که استقرار مناسبات دوستانه و همکاری واقعی با کشورهای سوسیالیستی برای رشد و ارتقاء اقتصادی و اجتماعی کشورهای مستقل آسیا و افریقا و کامیابی جنبش رهایی ملی دارد، جلب میکند.

در پایان این بخش وضع ویژه ای که در کشورهای امریکای لاتین وجود دارد

و نقطه چرخش تاریخی که با انقلاب کوبا و تأسیس نخستین دولت سوسیالیستی قاره امریکا آغاز گردیده مورد تحلیل قرار گرفته است و از اعتلاء روز افزون جنبش ضد امپریالیستی در این کشورها، اشکال گوناگون مبارزه ضد امپریالیستی (مبارزه مسلحانه و غیر مسلحانه) و شرایط مساعدی که برای بسیج توده ها و اتحاد بین کارگران و دهقانان و سایر نیروهای ضد امپریالیستی بوجود آمده سخن رفته است.

پلاتفورم مشترک وحدت عمل و وظایف مبرم

جنبش جهانی ضد امپریالیستی

تحلیل حوادث ده سال اخیر یکبار دیگر صحت تعریفی را که در باره مضمون عمده عصر ما داده شده است بشود میسازد، عصر ما دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است.

از هم اکنون امکانات واقعی حل مسائل گرمی بشریت بسود صلح، دموکراسی و سوسیالیسم وجود دارد. امکان ایراد ضربه های تازه ای بر امپریالیسم هم اکنون وجود دارد و از جمله میتوان سیاست تجاوز کارانه و جنگ طلبانه ویرا باشکست مواجه ساخت.

بنا بر چنین ارزیابی از حوادث و تحلیل اوضاع جهان است که کنفرانس پلاتفورم مشترک وحدت عمل و وظایف مبرم جنبش جهانی امپریالیستی را در بخش سوم سند بیان میکند. این خط مشی مشترک را کنفرانس نه تنها با احزاب کمونیستی و کارگری بلکه تمام نیروهای ضد امپریالیستی سراسر جهان پیشنهاد میکند. برای اجراء این وحدت عمل ضد امپریالیستی بمقیاس جهانی، شرکت کنندگان کنفرانس متفقاً بر این عقیده بودند که باید دموکراتیک ترین اسالیب را چه در مقیاس ملی و منطقه ای و چه در عرصه بین المللی برای انجام این منظور مورد استفاده قرار داد و احزاب شرکت کننده در کنفرانس متفقاً بر آن بودند که باید برای تحقق این هدف ویژگیهای هر یک از جریانهای ضد امپریالیستی و تمایلات خاص آنها مورد نظر قرار گیرد. «همکاری که بدین طریق با اشکال مورد پسند همگانی و موافقت مشترک صورت خواهد گرفت موجب آن میشود که مبارزه ضد امپریالیستی بسطح عالیتری که منطبق با خواسته های وضع کنونی باشد نائل آید».

در شرایط کنونی نخستین هدف وحدت عمل ضد امپریالیستی عبارت از جدی ترین پشتیبانها از خلق قهرمان ویت نام است. کنفرانس از همه علاقمندان بصلح و استقلال ملی دعوت میکند که برای وادار ساختن امپریالیسم امریکا بخارج ساختن نیروهای خود از ویت نام و پایان دادن بمداخلات در امور داخلی این کشور و احترام به حق خلق ویت نام در تعیین مستقلاً مسائل خویش بر مجاهدات خود بیافزایند. «پیروزی کامل میهن پرستان ویت نامی برای تحکیم مواضع خلقها در مبارزه خود علیه سیاست تحمیل و خودسری امپریالیستی واجد اهمیت اصولی

(است).

هدف دیگراساسی وحدت عمل عبارت از مبارزه علیه جنگ و در راه صلح جهانی است. خطر يك جنگ هسته ای و نابود شدن جماعات که ناشی از آنست همچنان مردم جهان را تهدید میکند. با این وجود میتوان بوسیله متحد ساختن کوششهای کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر بین‌المللی، جنبش آزادیبخش ملی و تمام دولتها، سازمانها و جنبش های صلح طلب، مانع از آن گردید که جنگ جهانی تازه ای درگیرد.

مبارزه برای همزیستی مسالمت آمیز بین دولتهایی که دارای سیستم های اجتماعی متفاوتند از نبرد در راه صلح جهانی پذیر نیست. کنفرانس هدفهای سیاست همزیستی مسالمت آمیز را بشرح زیرین تصریح نموده است:

۱ - جلوگیری از خطر بسوزن يك جنگ هسته ای،
۲ - حل مسائل مورد اختلاف در عرصه بین المللی از راه سیاسی و مذاکرات،
۳ - وادار ساختن امپریالیسم با احترام حاکمیت، تمامیت ارضی و برابری حقوق عموم کشورها،
۴ - عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و احترام بحق خلقها در حل مسائل مربوط به رژیم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خویش.

کنفرانس بر آنست که سیاست همزیستی مسالمت آمیز در عین حال برای حل مثبت مسائل اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال رشد شرایط مساعدی بوجود میآورد. سیاست همزیستی مسالمت آمیز بهیچوجه بمعنای پشتیبانی از رژیمهای ارتجاعی نیست و حتی هیچ خلق مورد ستمی را در بیکار بر رها نمیخویش، از جمله بوسیله مبارزه مسلحانه از محدود نمیسازد. این حق مسلم خلقهاست که علیه حملات و تجاوزات امپریالیستها مسلحانه از خود دفاع نمایند و در این مبارزه مشروع از پشتیبانی خلقهای دیگر برخوردار گردند.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز کوشش های امپریالیسم را، که بمنظور حل تضادهای درونی خود اوضاع بین المللی را وخیم میسازد و کانونهای جنگ را مشتعل نگاه میدارد، عقیم میکند. این سیاست نه بمعنای حفظ وضع

موجود اجتماعی و اقتصادی و نه بمعنای تضعیف مبارزه آیدتولوژیک است، بلکه بعکس شرایط مساعدی برای مبارزه علیه امپریالیسم چه در مقیاس داخلی و چه در عرصه بین المللی فراهم میسازد. مبارزه توده ها علیه امپریالیسم یکی از شرایط موفقیت سیاست همزیستی مسالمت آمیز است.

برای حفظ صلح فوری ترین وظیفه جلوگیری از پخش و نشر سلاحهای هسته ای و اجراء قرارداد عدم انتشار این سلاحهاست. دنباله در صفحه ۵

کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری

ایجاد مناطق مبرا از سلاحهای هسته ای برای سالم ساختن محیط بین المللی و ایجاد اعتماد میان دولتها واجد اهمیت شایانی است. کوشش اساسی باید متوجه منع سلاح هسته ای گردد تا بتوان نیروی هسته ای را منحصرآ برای هدفهای مسالمت آمیز بکار برد.

مبارزه علیه میلیتاریسم بهر شکلی که تجلی نماید، نبرد علیه مسابقه تسلیحاتی، برای تقلیل اساسی بودجه های نظامی، برای خلع سلاح عمومی و کامل تحت کنترل مؤثر بین المللی، جزئی از بیکار بخاطر حفظ صلح و منطبق با منافع بنیادی خلقهاساست. مصالح صلح جهانی ایجاب میکند که بلوک بندیهای نظامی حذف شود، در اروپا سیستم امنیت جمعی برقرار گردد، مرزهای کنونی کشور های اروپا و بویژه سرحدات اودر - نایسه و سرحدات میان جمهوری دمو کراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان محترم شمرده شود، جمهوری دمو کراتیک آلمان قانوناً برسمیت شناخته شود و مصونیت کشور های بیطرف بلاشروط مورد پذیرش قرار گیرد.

کنفرانس همه نیروهای ضد امپریالیست را علیه اعمال تجاوز کارانه امپریالیسم، ایجاد جنگهای محلی و بکار بردن اشکال دیگر، مداخله در هر نقطه ای از جهان که باشد، بوحثت عمل و مبارزه مشترک دعوت میکند. کنفرانس پشتیبانی کمونیستها را با مبارزه خلقهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین در راه استقلال و حاکمیت ملی، برای رهایی از تسلط اقتصادی و سیاسی امپریالیستها و انحصار های بزرگ، بهر شکلی که تجلی کند، راه پایان دادن به سیستم اتحادها و بیمانهای نظامی که از جانب امپریالیستها تحمیل میشود، برای حذف پایگاههای نظامی خارجی و استقرار مناسباتی که رشد آزاد هریک از خلقها را تأمین میکند، اعلام میدارد.

«پاک کردن کامل زمین از طاعون استعماری، رویدن آخرین کانونهای آن و جاوگیری از پیدایش مجدد استعمار در شکل های مستور، از واجبات عصر ما است.»

کنفرانس همه مردم شریف جهان، تمام هوا داران دموکراسی را بوحثت عمل در راه پایان دادن به بقایای استعمار و مبارزه علیه استعمار نوین دعوت میکند.

کنفرانس تشدید مبارزه علیه خطر فاشیسم و مقابله سرسخت علیه اقدامات نشو فاشیستی را یکی ازوظائف عمده جنبش و یکی از هدفهای مشترک وحدت عمل تلقی میکند. مبارزه علیه رژیمهای فاشیستی جزء لاینفک مبارزه علیه امپریالیسم و بیکار برای آزادیهای دمو کراتیک است. وظیفه مشترک همه دموکراتها، همه هواداران آزادی، صرفنظر از عقاید سیاسی و نظریات فلسفی و دینی آنها، اینست که بر پشتیبانی خود نسبت

به نیروهای ترقیخواهی که علیه این کانونهای ارتجاع و فاشیسم یعنی دولتهای اسپانیا و پرتغال دار و دسته سرهنگهای مرتجع یونان و باند های اولیگارشیک و نظامی امریکای لاتین، علیه کلیه رژیمهای مستبده تابع امپریالیسم امریکا مبارزه میکنند، بیافزایند.

کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری پس از آنکه از تمام مردم شرافتمند جهان دعوت میکند که مساعی خود را علیه ایدئولوژی و عمل غیر انسانی نژاد پرستی متحد نمایند و جنبش اعتراضی هر چه وسیعتر را علیه «این ننگ عصر ما که عبارت از بیداد برحمانه نسبت به ۲۲ میلیون سیاه پوست امریکائی است» و علیه تسور نژادی در افریقای جنوبی و رودزی، گسترش دهند، مسئله مبارزه در راه آزادیهای دمو کراتیک پرداخته آنرا بمنزله یکی از وظایف اساسی مبارزه ضد امپریالیستی و یکی از هدفهای عمده اتحاد عمل تمام نیروهای ترقیخواه تلقی میکنند.

در سند عمده کنفرانس راجع به این مسئله که از لحاظ مبارزات مردم کشور ما در مرحله کنونی اهمیت بسزائی دارد چنین تصریح شده است:

«مبارزه علیه امپریالیسم، که در خفه کردن آزادیهای بنیادی انسان کوشاست، نبرد خستگی ناپذیری را برای دفاع و بدست آوردن آزادی کلام، آزادی مطبوعاتی، آزادی اجتماعات و تظاهرات و تشکیلات،

برای برابری تمام افراد جامعه و دموکراسی - تیزاسیون همه جهات حیات اجتماعی، ایجاب میکند، باید با تمام کوششها و همه قوانین ارتجاع که متوجه نابود کردن حقوق و آزادیهای دمو کراتیک، حقوق و آزادیهای که طی نبرد های طولانی طبقاتی بدست آمده است، بطور قاطع مقابله نمود. باید چه در مقیاس ملی و چه در عرصه بین المللی برای نجات میهن پرستان و دموکراتهایی که جانشان در معرض خطر قرار گرفته است، علیه احکام ظالمانه ای که محاکم علیه کمونیستها و سایر میهن پرستان صادر میکنند، برای آزادی زندانیان میهن پرست و دموکرات و برای دفاع از حقوق پناهندگی سیاسی، بطور سیستماتیک مبارزه نمود.»

مسئولیت های ملی و بین المللی در بخش چهارم سند مسائل مربوط به روابط بین احزاب کمونیستی و کارگری مطرح شده است. هریک از احزاب بر مبنای اصول مارکسیسم - لنینیسم و بنا بر شرایط ملی ویژه خود در تنظیم سیاست، جهت اشکال و اسالیب مبارزه و در تعیین راه گذار بسوسیالیسم و نیز در باره اشکال و اسلوبهای ساختن سوسیالیسم در کشور خود مختار

مسئولیت های ملی و بین المللی در بخش چهارم سند مسائل مربوط به روابط بین احزاب کمونیستی و کارگری مطرح شده است. هریک از احزاب بر مبنای اصول مارکسیسم - لنینیسم و بنا بر شرایط ملی ویژه خود در تنظیم سیاست، جهت اشکال و اسالیب مبارزه و در تعیین راه گذار بسوسیالیسم و نیز در باره اشکال و اسلوبهای ساختن سوسیالیسم در کشور خود مختار

در کنگره جهانی زنان در هلستینکی چه گذشت ؟

نمایندگان ایران در جلسات و بحثهای مختلف شرکت کردند. نماینده ایران در سخنرانی خود در تأیید گزراش جامع دبیر کل فدراسیون و سایر گزارشها گفت:

«ما معتقدیم که صلح و استقلال ملی و آزادی دمو کراتیک زیر بنای خوشبختی خانواده هاست و با حقوق زنان بستگی کامل دارد. در کشورهایی که این عوامل زیر پا گذاشته شود خوشبختی خانواده و تأمین حقوق زن میسر نخواهد بود. در کشورهایی که نظیر کشور ما مردم از استفاده از حق آزادی دمو کراتیک و ابراز نظرات خود محروم باشند هر گونه قانون یا اعلامیه یا سند رسمی دیگری هر چند ظاهر پسند باشد قوت خود را از دست میدهد و بفرمولهای بی ثمری تبدیل میگردد. دولتهائی که در داخل کشور خود آزادی دمو کراتیک را رعایت نمیکند تعهداتشان در محافل بین المللی نظیر انجمن ملل متحد، تشکیلات بین المللی کار، اونسکو و غیره در عمل بعد اقل و گاهی به صفر تنزل مییابد.

در کشورهای در حال رشد عوامل اقتصادی گاه حتی دولتهای غیر دمو کراتیک را وامیدارد که برای کشاندن زن از خانه بعرصه کار و تولید کوششهایی برای بهبود وضع او بنمایند. بنظر ما زنان این کشورها در عین حال که از مبارزه نهائی خود برای از بین بردن عوامل غیر دموکراتیک دست بر نخواهند داشت، وظیفه دارند که از موقعیت های عرضه شده استفاده کرده و در عین حال تقاضاهای نهائی خود را بیان آورند و مستقل است.

در عین حال هر حزب فعالیت و مسئولیت های ملی خود را با مسئولیت های بین المللی خویش متحد میسازد یعنی اولاً در نظر میگیرد که هر کامیابی و هر شکستی که نصیب او میشود در وضع مجموع نهضت مؤثر است و ثانیاً همراه با احزاب دیگر کمونیستی و کارگری و سایر نیروهای ضد امپریالیستی در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، برای صلح و آزادی ملتها و پیشرفت سوسیالیسم بطور فعال شرکت میکنند.

وظیفه انترناسیونالیستی هر حزب عبارت از اینست که با تمام وسائل ممکنه در راه بهبود مناسبات بین احزاب برادر و ایجاد اعتماد متقابل بین آنها بکوشد و همه مساعی لازمه را برای تحکیم وحدت جنبش کمونیستی بین المللی بکار برد.

«وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، اخلاص بدون قید و شرط نسبت بمنافع ملت خود، نسبت باسر مشترک سوسیالیسم شرط لازم اثر بخشی سمت گیری صحیح وحدت غیل احزاب کمونیستی و کارگری و وثیقه کامیابی آنها در مبارزه ای است که در راه هدفهای تاریخی خویش انجام میدهد.»

و دولتها را مجبور کنند که مسئله دادن حق و آزادی بزن به چند اعلامیه یا قانون درخشان که جز نام چیزی در بر ندارد نباشد و شرکت دادن زنان در کارها صرفاً بمنظور استفاده دادن به طبقه خاصی که سرمایه داران کشورشان است نبوده بلکه شرکت زن در هماهنگی با نقش مادری و مسئولیت خانوادگی و منافع عالی کشور انجام گیرد.

او افزود که ما معتقدیم باید از هر گونه امکانی ولو جزئی باشد برای رسیدن بحقوق خویش استفاده کرد، چنین است که زنان ایران در عین حال از قوانینی که ظاهراً از آنان حمایت میکند، مثل «قانون حمایت خانواده»، «مبارزه با بیسوادی»، «قانون تساوی حقوق انتخاباتی» و غیره برای رسیدن به حقوق واقعی خود پشتیبانی میکنند و برای پایان دادن بر رژیم ضد دموکراتیک ایران از هیچ کوششی فرو گذار نخواهند کرد.

روز ۱۸ ژوئن یعنی بلافاصله پس از کنگره جهانی ششمین کنگره فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان برای انتخاب ارگانهای رهبری تشکیل و در بدو اعلام جلسه یکدقیقه یاد بود مادام اوژنی کوتون رئیس فقید فدراسیون که خاطره او در دل زنان جهان جاودانی است سکوت اعلام گردید و سپس کنگره بکار خود ادامه داد. خانم هرتا کوئوسینی از اتحادیه زنان فنلاند به ریاست فدراسیون بین المللی زنان انتخاب گردید.

فدراسیون کار خود را با تأیید مدارکی مربوط به حقوق زن و برنامه کار آینده فدراسیون که از طرف کنگره جهانی تهیه شده بود خانه داد.

جزوه چهارم کابیتال

منتشر شد. بها ۴ ریال

تغییر آدرس رادیو پیک ایران

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجوزته فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

بر خورد با شکوه و نیرو بخش جهانی صلح

تالار بزرگ آمد، همه از جا برخاستند و با شوری ناگفتنی بدست زدنی بی پایان برای این جبه ظریف پرداختند، گوئی تالار با سقف و ستونش جان گرفته، به پرواز آمده با این صداها نفر مروش بکوره‌ای از آتش عواطف و احساسات بشری تبدیل شده و با صدائی رعد آسا میگرد و آسمان بران را می لرزاند. مدت درازی طول کشید تا کف زدن‌ها و هیجانات فرو نشست و خانم نگون تی‌بین، وزیر خارجه حکومت موقت انقلابی ویت نام جنوبی و رئیس هیئت نمایندگی این دولت در کنفرانس صلح پاریس سخن آغاز کرد. با گفتاری شیرین و رسا از یک طرف دلبستگی مردم ویت نام جنوبی را به صلح و از طرف دیگر اراده راسخ این ملت قهرمان را به نبرد تا پیروزی قطعی بر امپریالیسم درنده آمریکا و حکومت دست نشانده سایگن، اعلام داشت. دروغهای نیکسین را در بازه صلح ویتنام افشا نمود و سیاست‌گذاری مردم ویت نام را از حکومت آلمان دموکراتیک و مردم آن و همچنین از تمام نیروهای صلح‌دوست و ضد امپریالیستی جهان بگوش حاضران رساند. این صحنه بار دیگر موقی که وزیر فرهنگ جمهوری ویتنام سخنرانی کرد، تکرار شد. شخصیت‌های دیگران از قبیل کریشامنون نماینده مجلس هند و وزیر جنگ سابق این کشور و خالد محیی‌الدین رجل فرهنگی معروف مصر از تشدید درجه تهاجم و درندگی امپریالیسم که جهان را بجزنگ نابود کننده اتمی تهدید میکند و از لزوم تشدید مبارزه بغاطر صلح سخن گفتند چند نفر از نمایندگان گروه‌های مذهبی کاتولیک و پروتستان در اروپای غربی و همچنین کاندیدای مترقی ریاست جمهوری در آمریکا که بیش از دو میلیون رأی در انتخابات اخیر بدست آورده بود در پشتیبانی از صلح و مبارزه علیه خطر جنگ داد سخن دادند. سپس جلسه با تقسیم کار در پنج کمیسیون که هر کمیسیون نیز غالباً به سه یا چهار سو کمیسیون بخش میشد، وارد فعالیت و کار مشخص خویش در باره مسائل مهم پنجگانه فوق الذکر، گذرید. از عصر روز ۲۱ ژوئن تا ساعت چهار بعد از نصف شب روز ۲۳ ژوئن بحث و تبادل نظر جدی بعمل آمد. هیئت نمایندگی ایران در کمیسیون خاور میانه در قسمت اول این کمیسیون که بتحلیل سیاسی این منطقه و بحران آن پرداخت، شرکت نمود و نظر خود را در باره مسئله اسرائیل و همچنین نسبت به رویه دولت ایران در مورد عراق، اعلام داشت. در نطقی که از طرف این هیئت در سو کمیسیون ایراد شد پس از محکوم کردن تجاوز امپریالیسم یوسیه صهیونیسم بکشورهای عربی صراحتاً گفته میشود که: «ما خواستار تخلیه بی قید و شرط و فوری نیروهای اسرائیل از مناطق اشغالی کشورهای عربی هستیم. ما معتقدیم که باید این مشکل را از طریق سیاسی بر اساس تصمیم شورای امنیت ملل متحد مورخ

میباشد. صلح در اروپا احترام به مرزهای موجود و ایجاد یک سیستم امنیت جمعی را که بوسیله آن انحلال بلوک‌ها ممکن گردد، میطلبد.»

گرچه متن قطعنامه‌های پنجگانه در جراند منتشر شده ولی تیکه‌هایی از بعضی آنها را نقل میکنیم:

۱ - در قطعنامه مربوط به استعمار پس از بیان اشکال جدید نشو کولونیالیسم و با تصریح باینکه با وجود تضعیف امپریالیسم بعلت وجود اردوگاه سوسالیسم و جنبشهای آزادیبخش، ماهیت غارتگرانه امپریالیسم تغییر نکرده، چنین ذکر میشود: «امریکا، آلمان غربی و پرتغال و سایر نیروهای تجاوز کار در یک اتحادیه امپریالیستی متحد شده‌اند. اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی و صلح لازم است تا باین پیمان تجاوز کار مقابله کند.»

۲ - در قطعنامه کمیسیون خاور میانه چنین میخوانیم: «در بین سخنرانان در این باره که اسرائیل باید فوراً و بدون قید و شرط نیروهای خود را از مناطق اشغالی بیرون برد، وحدت نظیر کامل وجود داشت... بسیاری از سخنرانان طرفدار اجرای قطعنامه شورای امنیت مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ که از طرف شورا با اتفاق آراء تصویب و از جانب اسرائیل رد شده است، بودند.»

۳ - در قطعنامه مربوط به خلع سلاح پس از بیان انواع وسائل امحاء جمعی و تذکر مخاطرات مسابقه تسلیحاتی گفته میشود که «باتوجه بضرورت اقدامات مهم و مشخصی برای خلع سلاح در آینده بسیار نزدیک، از تمام سازمانهای بین المللی و ملی که طرفدار صلحند، میطلبیم فعالیت خود را برای هدف مهم و حیاتی خلع سلاح عمومی و کامل، تشدید کنند.»

۴ - در قطعنامه مربوط بویت نام برنامه ۱۳ ماده ای برای کمک ب مردم قهرمان ویتنام جنوبی با اتفاق آراء تصویب رسید که از طرف نیروهای صلح باید اجرا شود.

سخنرانی پایان کار از طرف آقای چندرا رئیس جلسه با کلماتی مهیج و مؤثر و با تشکر صمیمانه از جمهوری دموکراتیک آلمان که سخاوتمندانه تمام وسایل کار را فراهم کرده بود بعمل آمد و جلسه در حالی که نمایندگان یکدیگر را بغل کرده و سرایا سرشار از نیروی تازه ای برای مبارزه در راه صلح بودند پایان یافت.

تشکیل چنین جلسه با عظمت و شکوهی باین وسعت در بیستین سال تأسیس شورای جهانی صلح نشان دهنده این واقعیت است که جنبش صلح روز بروز نیرو میگیرد و این نوید روان بخش بگوش هوش میرسد که وجدان بشریت در جریان نبرد بغاطر صلح بیدار میگردد، نیروهای یزدانی بهم میوندند و اگر راه همکاری و همزمی پوئیده شود دورنمای صلحی پایدار برغم نیروهای اهریمنی در جلو چشم میبارد ما مردم جهان که خواهان زندگی آزاد، مرفه و مستقل هستیم پدیدار میگردیم. شرط گامیابی، مبارزه یکگیر علیه امپریالیسم، علیه استبداد و ارتجاع و علیه تجاوز و تعدی بتمام اشکال آن میباشد.

۱. گویا

با رژیم ترور و اختناق مبارزه کنید!

۱۸ سال است که در زندان بسر میبرد. سازمان امنیت پس از انتقال رفقای ما پرویز حکمت جو برای معالجه بزندان شیراز و علی معتمدی بزندان اصفهان، مانع انتقال گاکیک آوانسیان و صابر محمدزاده و آصف رزمنده (که آنان نیز از بیماریهای گوناگون رنج میبرند) به تهران شده است. علی خاوری همچنان در زندان بندر عباس است و سازمان امنیت نیکگدارد برای معالجه چشم های خود به تهران منتقل شود.

یکی از سنن حزب ما دفاع صمیمانه و پدیدریغ نه تنها از زندانیان توده ای، بلکه از همه کسانی است که، صرف نظر از عقاید سیاسی و جهان بینی خود، بسبب پایداری در قبال رژیم، مورد تجاوز و خودسری وی قرار گرفته اند. حزب ما، رادیو و مطبوعات بازگ خود را در مجامع بین المللی در اختیار اجرای این وظیفه مقدس قرار داده.

در بخش سوم سند اصلی مصوب کنفرانس تاریخی احزاب کمونیستی و کارگری نیز ضرورت اتخاذ همین روش ب همه شفقگان آزادی و دموکراسی توصیه شده است. در این بخش از جمله چنین میخوانیم: «وظیفه مشترک همه دموکراتها، همه هواداران آزادی، صرف نظر از عقاید سیاسی و جهان بینی و اعتقادات مذهبی اشان آنست که نیروهای ملی و مترقی را که بر ضد کانونهای ارتجاع فاشیستی (مانند دولتهای اسپانیا و پرتغال و گروه سرهنگهای ارتجاعی یونان) و الیگارش نظامی امریکای لاتین و بر ضد همه رژیمهای ظالمانه ای که در خدمت امپریالیسم امریکاست، مبارزه میکنند بشکل مؤثر مورد پشتیبانی قرار دهند.» بنا بهین سنت است که ما ضرور میدانیم یکبار دیگر بازگ خود را علیه غول ترور و اختناق در ایران هر روز قربانیان تازه ای را یکم میکشد بلند کنیم.

رژیم جنایتکار ایران در محافل مترقی جهان کاملاً بهین عنوان شناخته شده است. در سند معتبر و تاریخی کنفرانس احزاب کمونیستی، در بخش چهارم در باره رژیم های خونخوار جهان و از جمله ایران چنین گفته شده است: «ما با خشم و نفرت کامل تضییقات و ترور خونینی را که در اثر آن هزاران و هزاران نفر از کمونیست ها و سایر دموکراتها و انقلابیون در اندونزی، اسپانیا، پرتغال، یونان، بولیوی، برزیل، کلمبیا، مکزیک، ونزوئلا، پاناما، پاراگوئه، گواتمالا، افریقای جنوبی، تایلند، هائیتی، مالزی، ایران، فیلیپین و برخی دیگر از کشورها قربانی شده‌اند، محکوم میکنیم. ما هستمگی خود را با هر زمان خویش که در شکنجه - گاههای رژیمهای فاشیستی و دیکتاتوری، در زندانهای کشورهای سرمایه داری رنج میبرند و برای آزادی خود مبارزه میکنند، اعلام میداریم.»

حزب ما که خود از امضا کنندگان این سند والای انقلابی است در قبال تبه کاری های تازه رژیم سخن بهتری ندارد که بر این جملات پر شور مزید کند.